

در جهان دیگر

اعمال‌ها در بر این‌جا می‌باشد.

میشند و با نزد من اندیشید در هر یکی از این اعمال
در هر بار مقداری از بدن خود را در صورت
پرورهای گوناگون برای اعمال پادشاه خرج
میکنند بدین طرق آنچه اکه در صورتهای مواد
 مختلف از این اندک کرد بود دوباره در اشکال
 مختلط نیز پس میدهدند.

و پناه قانون مشهور « بقای نیز و » که مورد
قبول دانشمندان علوم تجزیی است همه اعمال
آدمی: که رارها و پندارهای و گفتارهای او در این
حصن پرآور بنش میشوند و آگر چه ظواهر خود
دانش میکنند و پوسته در تبدیل و تحول بسیار نمود
دلی همیشه باقی حیات نمود و امکان نداد که ازین
در و بعد مجموع گردند.

هر عملی که از عاملی سر میز ندهوای بجاور را
به آموج درآسی آورد و موج اذهوای بجاور به عوای
دور اتفاق می باید و از آن جاهم به تناظر دورتر
بررسد و همچنین تا هنگامی که نیک عاویدیهای
ساده همی سخنان اثر میگذارد.

دنبال برآیند، این تصویر در مخاطره راهنمی بـ:
باشد که:

چندرو خنثیک است اینکه کسی جوانی را با
نم خود پر کند، و چقدر لچسب و جالب است

انسان طوری آفرینده شده که پیوسته مواد
جهان را مبدل به نیزه و میکند. انسان کار خاتمه است
که کارش تبدیل مواد به نیزه است موادرها در
صورت خود دنیاها و آشامیدنی ها و غیر آن از جهان
اخفیب گشته اند پس بعد از آنکه آنها بجزء خوش
گردانند بالاجماع مادن اعمال کوئنگون زندگی
در اشکال مختلف بروند از نی خود بینند و بین
فرستند

اگر همه آنچه که از خواراک و آبی و غیر
اینها در بین انسان بعد از حذف فضولات یافته
میمانند و جمع و متر اکم میگردید بدون شک از این
آدمی فوق العاده بزرگتر از آنچه امر و ذهنست
میگردد ولی آدمی پیوسته از یکسر موادی از
حیوان میگیرد و از سوی دیگر آنچه که ادشتن
گرفته بود در شکل دیگری پس میدهد ولذا قدو
وزن اوتا انداده ای مخصوصه میماند و بیشتر از
مقدار عمومی بزرگ شونده.

میدانید که فناهای ما بعد از آنکه جزوین
ما میتوانند در این عصر میتوونند، مسلمان در
یاد انجام دادن اعم الامتحانات ۱

آدم با هر عمل که انجام دید خود مثلًا با
جهنم نگاه نمی‌کند، مادست بر میدارد. با گوش

کند خود را عرض دست مردمی کو تأمینی بلندتر و فارغ از این خود در آن بیکند و خود را در اندامی ناری از دلی محسوس شلایع پسر و بیرون ساند و بانیر و قی که از تن خود پرورون داده سنگی را بی پرتاب بیکند .

و میتوان در مقایل فرض قوی ، اظهار صحبت را هم در شکل «پیگردی» ، مثلاً انتهاستن گل بسوی دوست ، تصور و تصویر کنیم .

در روز استاخیز که در روز معاکمه‌ی نهائی است عده جای جهان و هر ذره از عالم امکان گواهی بر اعمال مایه‌های دواین حقیقت‌هایی با توجه به اینان فوق ما گاملاً روشن است و توانی به افزایش انداده .

آن‌کاهه‌داره دهر کره در روز استاخیز به سوی نیکان جهان شهادت خواهند داد و پیاری آنکه خواهد داشت و تیکی‌های انسان را باز و آشکار خواهند کرد و آنکه ویران ستمگران و به خسوسی از آنکه قیام خواهند کرد ، باز انسان اسر عالم خدایاهم هستاگنه و حسنات و سیمات انسان و انسان نیاهارا بوبیدا خواهند گردانید .

میشود :
رشو شکاو علم اشان و مطلعوحی چنین در باره این مسئله سایر را با کسی که میخواهد به کس آزاد رسانند ملک علیه امکان و لالل آمن توایید در کتاب « تجم عمل » بیکد پیرو و مادمه مطالعه شاید و در شماره چهارم سال هفتمن سحله نیز اشاراتی بین بطلب شده است .

که انسانی سرتاسر عالم را با یکی های خود مهمل نگرداشد ، آری طلمهای و ستمهای گذشتگان و نیکی‌ها و عدالتیهای آنان هم اکنون در جهان باقی است و باقی خواهد مالد و همیشه در پیشرفت است و پیش خواهد رفت و روزی به همه جای جهان خواهد رسید .

و منی اینکه انسان ، مواد عالم را میباشد به نیروهای بیکند اینست که :

آب و شکلات‌های را می‌دل بفضل و بکند ، بدل به نیک و بدی بیکند ، اذآب و خاکسیهان نیک و احسان و کمک بیچارگان می‌سازد و با بدی و ستمگری و زدن و کشتن ویران کردن آفریند انسان باعمر کردن خوبیشتن را در جهان براکند .
میکند ، انسان با اعمال خود بعادت خود و سمت می‌بخشد و خود را بسیار بزرگ می‌سیگرداشد ، کسی که عمل میکند در سراسر جهان اثر بیکنارد .
عمل کردن ، رسانیدن خود به عده جای جهان است .

آری حقیقت جنین است که ذیلاً شرح داده
کسی که میخواهد به کس آزاد رسانند ملک علیه امکان و لالل آمن توایید در کتاب « تجم عمل » بیکد پیرو و مادمه مطالعه شاید و کنداگر از دسترس او دور و دورتر باشد به خود همراه باشد و در حقیقت هست خود را بزرگ کنی .